

فصلنامه علمی- پژوهشی رهیافت

سال نهم، شماره ۳۳، زمستان ۱۳۹۴
صفحه ۶۷ تا ۸۸

بررسی کتاب‌های درسی به‌منظور ارائه راهبرد برای نهادهای کردن ارزش‌های انقلاب اسلامی در دانش‌آموزان

محمد آرمند / استادیار مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی سمت mohammadarmand@yahoo.com

معصومه عظیمی وحید / کارشناس ارشد سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی

حسن مظاهری / دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی دانشگاه آزاد اسلامی

چکیده

کتاب درسی می‌تواند نقش مهمی در انتقال ارزش‌های انقلاب اسلامی داشته باشد و دانش‌آموزان را با انقلاب اسلامی و ارزش‌های مربوط به آن آشنا سازد. حاضر مبتنی بر پژوهشی است که باهدف تحلیل کتاب‌های درسی به‌منظور ارائه راهبرد برای نهادهای کردن ارزش‌های انقلاب اسلامی در دانش‌آموزان انجام شده است. روش پژوهش، توصیفی و از نوع تحلیل محتوا است، جامعه پژوهش نیز شامل کلیه کتاب‌های درسی است که از میان آن‌ها کتاب‌هایی که به این موضوع مرتبط می‌باشد مورد بررسی واقع شده‌اند. عمده‌ترین یافته‌های پژوهش این است که در دوره ابتدایی بیشترین درصد ارزش‌های انقلاب اسلامی به تعلیمات اجتماعی اختصاص دارد و کمترین میزان مربوط به درس هدیه‌های آسمان می‌باشد. همچنین در دوره راهنمایی (اول متوسطه) تاریخ درصد بیشترین واژگان مربوط به انقلاب اسلامی را پوشش داده است و تعلیمات اجتماعی کمترین می‌باشد و در دوره دوم متوسطه بیشترین مفاهیم مربوط به کتاب تاریخ و کمترین به کتاب ادبیات تعلق دارد. بر اساس بررسی به عمل آمده و کاستی‌های موجود در پایان پیشنهادهایی برای بهبود کتاب‌های درسی بیان شده است.

کلیدواژه: تحلیل محتوا، ارزش‌ها، کتاب‌های درسی، انقلاب اسلامی، دوره ابتدایی، دوره اول و دوم متوسطه.

تاریخ تأیید ۱۳۹۴/۱۰/۲۹

تاریخ دریافت ۱۳۹۴/۸/۱۸

این مقاله بخشی از پژوهشی است که با اعتبار و سفارش سازمان پژوهش و

برنامه‌ریزی آموزشی انجام شده است.

مقدمه

کشورمان در طول تاریخ خود شاهد تحولات و تغییرات وسیعی بوده است. تغییر قدرت‌ها، حکومت‌ها و سلسله‌ها و حاکمان فراوان بوده است. در همه این تغییرات عمدتاً صاحبان قدرت نقش اساسی را داشته‌اند و تغییرات با خواست و اراده آن‌ها پیش می‌رفته است، ولی از این جهت انقلاب اسلامی ایران در طول تاریخ با سایر تحولات متفاوت است و به نوعی بی‌نظیر است. مقام معظم رهبری در این رابطه فرمودند: «در تاریخ کشور ما، هرچه که نگاه می‌کنیم و هرچه عقب می‌رویم، هیچ نمونه دیگری برای انقلاب اسلامی پیدا نمی‌کنیم. انقلاب اسلامی که بزرگ‌ترین تحول و تغییر قدرت در طول تاریخ ما بود و اساس سلطنت و حکومت فردی را به حکومت مردمی تبدیل کرد، با نیروی مردم انجام گرفت.» (بیانات مقام معظم رهبری ۱۳۸۷).

مهم‌ترین نکته در تحولات اجتماعی به‌ویژه تحول عظیمی مثل انقلاب اسلامی بحث هدف است. بنابراین در نگاه کلان به انقلاب اسلامی توجه به هدف مردم و انقلابیون از این حرکت ضروری است. ایشان در تبیین هدف ملت ایران از انقلاب فرمودند: «هدف ملت ایران - که از هرکسی که سؤال می‌کردیم، به زبان‌های گوناگون این هدف را می‌گفت - این بود که بتواند در سایه اسلام، استقلال و آزادی به دست بیاورد. این شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» که در دوران انقلاب رایج بود، حرف دل مردم بود و مردم این را می‌خواستند.» (همان).

انقلاب بزرگ ایران اسلامی ملهم از شریعت ناب محمدی - صلی الله علیه و آله - به رهبری امام خمینی (ره) نور امیدی و شعله هدایتی بر جهان پابرهنگان بود - مستضعفان که در حیات حکومتی طاغوت اهداف و آرمان‌های خویش را بر بادرفته دیدند، اهداف انقلاب اسلامی را اهداف خویش یافته و برای تحقق آن تلاش نمودند. از این رو انقلاب اسلامی به انقلاب محرومین و مستضعفان نام گرفت.

وضعیت کلی جوانان کشور نشان می‌دهد که ۷۰ درصد جمعیت جامعه، زیر ۳۰ سال و ۳۵ درصد آن‌ها در گروه سنی جوانان قرار دارند؛ اگر سن جوان را بین ۱۵ تا ۲۸ سال تعریف کنیم، ۲۵ میلیون جوان داریم که به‌عنوان یک سرمایه بسیار عظیم، بخش مهمی از جامعه کنونی را شکل داده، ۲۰ سال آینده کشور نیز در اختیار همین جوانان نسل سوم انقلاب است. از این رو، شناخت صحیح این نسل و ویژگی‌های آنان و همچنین برنامه‌ریزی برای تربیت آنان در راستای اهداف انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، از اهمیت بسیار

ویژه‌ای برخوردار بوده و ضرورت توجه به آن را در بخش‌های سیاست‌گذاری و اجرایی کشور خاطر نشان می‌سازد.

این نسل اکنون ۶۵ تا ۷۰ درصد از جامعه ایرانی را تشکیل می‌دهد و در آینده، بدنه اصلی نظام را به وجود خواهد آورد، و به دلیل برخورداری از قدرت تحلیل و آگاهی به تحولات سیاسی، امید می‌رود که بهتر از دو نسل پیشین، کشور را در جهت تحقق اهداف انقلاب اداره کند (جویباری).

آموزش و پرورش با در اختیار داشتن فرصت طلایی سنین کودکی و نوجوانی نسل جدید، می‌تواند نقشی عمده و مهم در زمینه نهادینه کردن ارزش‌های انقلاب اسلامی ایفا کند، و در این بین معلمان به لحاظ اینکه به‌طور مستقیم با دانش‌آموزان در ارتباط هستند می‌توانند این ارزش‌ها را به نحو مطلوب که موردعلاقه دانش‌آموزان نیز باشد، تبیین و ترویج کنند. از طرفی شورای عالی آموزش و پرورش که مسئولیت تعیین اهداف دوره‌های مختلف آموزش و پرورش را بر عهده دارد، اهداف دوره‌های ابتدایی و راهنمایی را در راستای رسالت و مأموریت آموزش و پرورش و جهت‌دهی به رشد همه‌جانبه دانش‌آموزان بر پایه تعالیم و دستورات دین مبین اسلام تصویب کرده و برنامه ریزان و دیگر دست‌اندرکاران آموزش و پرورش را مکلف نموده است در برنامه ریزی، سازماندهی و انجام وظایف مربوط به گونه‌ای اقدام نمایند که تا پایان دوره تحصیلی، دستیابی دانش‌آموزان به اهداف تعیین شده ممکن باشد.

انتظار فعلی حوزه‌های سیاست‌گذاری از یک طرف این است که اهداف راهنمای برنامه‌های درسی از جمله اهداف مربوط به انقلاب اسلامی مبتنی بر اهداف دوره‌های تحصیلی مصوب شورای عالی آموزش و پرورش باشد. و از طرف دیگر انتظار می‌رود که این اهداف در محتوای آموزشی به‌خوبی دیده شود. چرا که برنامه‌های درسی با فراهم نمودن نقش آموزش، فرایند تحقق اهداف نظام تعلیم و تربیت را فراهم می‌سازد. این مطالعه به دنبال پاسخ به این سؤال است که: محتوای کتاب‌های درسی دوره‌های مختلف تحصیلی تا چه اندازه ارزش‌های انقلاب اسلامی را پوشش داده‌اند؟

پیشینه پژوهش

پیروزی انقلاب اسلامی ایران، یکی از تحولات شگرف و عظیم قرن بیستم به شمار می‌رود که با ویژگی‌های منحصر به فرد خویش، نه تنها بسیاری از ثنوری پردازان پدیده انقلاب را شگفت زده کرد، بلکه در شالوده کاخ رفیع دانش اجتماعی و نظریات رایج

پیرامون تبیین انقلاب‌ها نیز لرزه افکنده، آن‌ها را در تبیین علل پیدایش و وقوع پیروزی انقلاب اسلامی، با چالش مواجه ساخت؛ تا آنجا که برخی در جهت حل این معما، دست به ارائه تحلیل‌ها و نظریات کاملاً غیرعلمی و خیال‌پردازانه زده، عجز و ناتوانی خویش را بیش از پیش آشکار ساختند. نوشتار حاضر درصدد است تا ضمن نقد و بررسی «تئوری توطئه» پیرامون انقلاب اسلامی، به صورت گذرا، مروری بر سایر نظریات مطرح در این زمینه داشته باشد و به شناسایی علت اصلی پیدایش و وقوع انقلاب اسلامی بپردازد.

مفهوم شناسی انقلاب در اصطلاحات سیاسی و اجتماعی، انقلاب (Revolution)، دارای تعریف‌های متعدد و مختلفی است (ابوالحمد، ۱۳۷۶: ۳۴۶). به طور کلی، چهار عامل عمده، برای وقوع انقلاب در یک جامعه لازم است. این عوامل که معمولاً در هر انقلابی دیده می‌شوند عبارتند از:

- نارضایتی عمیق از شرایط موجود.
- گسترش و پذیرش اندیشه یا اندیشه‌های جدید جایگزین (ایدئولوژی انقلابی)
- گسترش روحیه انقلابی در افراد جامعه.
- وجود رهبری و نقش آفرینی ساختارهای سیاسی - اجتماعی بسیج گر (جمعی از نویسندگان، ۱۳۶۸: ۱۶).

انقلاب اسلامی ایران، چهار عامل فوق را در مرحله وقوع، دارا بود؛ اول اینکه نارضایتی از وضع موجود در انقلاب اسلامی، با شاخص‌هایی مانند اعتصاب‌ها، تظاهرات، درگیری‌ها و تفر همگان از رژیم شاهنشاهی، گستردگی زیادی داشت. دوم اینکه آموزه‌های اسلامی به‌عنوان ایدئولوژی و اندیشه سیاسی جایگزین، در انقلاب اسلامی مطرح بود و در شعارها، تظاهرات، بیانیه‌ها، سخنرانی‌ها و اعلامیه‌های مردم و رهبران انقلابی، نقش اصلی و تعیین کننده داشت. سوم اینکه در انقلاب اسلامی، رهبری بی‌ظنیر و هوشمندانه امام خمینی و پیوند ویژه دینی و تاریخی روحانیت با مردم، به بهترین وضع ممکن، نقش بیداری انقلابی و گسترش آرمان انقلاب اسلامی را ایفا کرد و سرانجام اینکه روحیه انقلابی در انقلاب اسلامی، با شاخص‌هایی چون عدم تسلیم انقلابیون در برابر اقدامات ظاهری رژیم و بی‌توجهی به اقدامات سرکوب‌گرانه آن، به‌خوبی قابل مشاهده بود (عنایت: ۱۴۷ - ۱۴۴).

با توجه به چنین عواملی است که انقلاب اسلامی ایران در شمار انقلاب‌های کبیر اجتماعی جای دارد و با توجه به ویژگی‌های ممتاز خویش، با هیچ کدام از انقلاب‌های تاریخی معاصر، قابل مقایسه نمی‌باشد.

این انقلاب را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: انقلاب اسلامی، یک دگرگونی بنیادی در ساختار کلی جامعه و نظام سیاسی آن است که بر اساس «جهان‌بینی، موازین و ارزش‌های اسلامی»، «نظام امامت»، «آگاهی و ایمان مردم»، «حرکت و پیش‌گامی متقین» و «قیام قهرآمیز توده‌های مردم»، شکل گرفته است (زنجانی، ۱۳۷۹).

انقلاب اسلامی، پدیده‌ای بود که به دلیل پیچیدگی‌ها و خصوصیات ویژه‌اش، نظریات مختلفی پیرامون آن ارائه شد (قادری، ۱۳۷۹، جلد ۸: ۶۷). درباره علل اصلی پیروزی انقلاب، بین اندیشمندان این رشته و نیروهای درگیر در انقلاب، اتفاق نظر وجود ندارد و با تکیه بر عوامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، روان‌شناختی و سیاسی، نظریات متفاوتی مطرح شده است (مجموعه مقالات، ۱۳۷۹: ۲۹۶ - ۳۰۹). به‌طور کلی، می‌توان نظریات پیرامون انقلاب اسلامی ایران را در چهار دسته زیر خلاصه کرد:

۱- نارضایتی عمیق از شرایط حاکم: نارضایتی از سلطنت محمدرضا شاه به‌ویژه پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که موجی از خفقان سیاسی سراسر کشور را فراگرفت، موجب سرکوبی مخالفین سیاسی شد. این نارضایتی که تنها در میان پاره‌ای از نخبگان روحانی و روشنفکر نمود داشت، در سال‌های پایانی حکومت پهلوی گسترش یافت و در آستانه وقوع انقلاب در بین همه اقشار جامعه فراگیر شد.

برخلاف همه یا بیشتر انقلاب‌های معاصر که تنها گروه‌های خاصی در آن‌ها شرکت داشتند در ایران بیشتر قریب به اتفاق جمعیت کشور از رژیم پهلوی تنفر داشتند با توجه به این واقعیت که ناخشنودی مردم با جنبه‌های فکری و عقیدتی آمیخته گردید، می‌توان گفت نارضایتی در ایران دیگر انقلاب‌های معاصر، شدیدتر و عمیق‌تر بود.

نکته قابل توجه در ظهور و گسترش نارضایتی، ضعف و ناکارآمدی ساختارهای سیاسی اقتصادی و فرهنگی و در نتیجه از دست رفتن مشروعیت حکمت و بیگانه شدن گروه‌ها و طبقات اجتماعی از حکومت می‌باشد. در صفحات آینده، این ساختارها و ضعف آن‌ها به‌صورت مشروح مورد توجه قرار خواهد گرفت. نارضایتی زمینه پذیرش و گسترش ایدئولوژی جدید و توجه به رهبری انقلابی و گسترش روحیه انقلابی را فراهم می‌سازد.

۲- پذیرش و گسترش ایدئولوژی اسلامی: تعالیم اسلامی به‌عنوان اندیشه و آرمان جدید که در سال‌های پس از قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ نمودی بارز یافت به تدریج توانست ایدئولوژی‌های رقیب، یعنی مارکسیسم و ناسیونالیسم را به حاشیه برده و در سطح گسترده‌ای بین نخبگان سیاسی و توده‌های مردم نفوذ کند. این گسترش در زمان وقوع